

هویت ملی در کتاب‌های درسی آموزش و پرورش مورد مطالعه: دوره متوسطه

* ابراهیم خدایار

** اعظم فتاحی

E-mail: hesam_kh1@yahoo.com

E-mail: fathi_59@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۷/۶/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۳۸۶/۱۲/۲۳

چکیده

نظام‌های آموزشی در شکل‌دهی به هویت ملی کشورها نقش بی‌بدیلی به عهده دارند. تحلیل و بررسی علمی مواد به کار رفته در نظام‌های آموزشی و نیز بسامد کاربرد هر یک از مؤلفه‌های اصلی و فرعی، موضوع بررسی کارشناسانه است. تحلیل این مؤلفه‌ها، ابزار مناسبی برای ترسیم نقشه کلان سیاست فرهنگی یک کشور خواهد بود. نویسندگان مقاله در این پژوهش، با تحلیل و بررسی شانزده جلد از کتاب‌های درسی تاریخ، جامعه‌شناسی، زبان و ادبیات فارسی رشته‌های علوم تجربی، علوم انسانی و ریاضی و فیزیک در مقطع متوسطه، به دنبال بررسی انعکاس مؤلفه‌های هویت ملی ایران و شاخصه‌های آن، جهان ایرانی و تبیین مفهوم نظری هویت در این آثار هستند. این مصادیق و عناصر شامل چهار عنصر اصلی فرهنگ، دین و مذهب، تاریخ و قلمرو سیاسی-جغرافیایی است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که مؤلفان کتاب‌های درسی و برنامه‌ریزان آموزش و پرورش در انعکاس مفاهیم و مصادیق هویت‌ساز و بحث نظری هویت در کتاب‌های یادشده عملکرد مناسبی داشته‌اند؛ اما در حوزه تمدن ایرانی عملکرد آن‌ها نسبتاً ضعیف است. روش تحقیق در این پژوهش تحلیل محتوا مبتنی بر ارائه آمار و ارقام است.

کلیدواژه‌ها: هویت ملی، جهان ایرانی، نظام آموزشی ایران، کتاب‌های درسی دوره متوسطه.

* استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس

** کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، پژوهشگر

مقدمه

در روزگاری که از یک سو، مرزهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در پرتو فرایند جهانی شدن^۱، شکسته شده است و اثرپذیری و اثرگذاری فرهنگها بر یکدیگر، شتاب فزاینده‌ای گرفته؛ و از سوی دیگر، هویت‌های مختلف در بستری از تبادل و تعارض قرار گرفته‌اند، صیانت از هویت فردی، جمعی و ملی، و در سایه آن، حفظ استقلال فرهنگی و جلوگیری از ادغام آن در سایر فرهنگها و هویت‌های غالب و مسلط جهانی به مجاهدتی بس عظیم نیازمند است. امروزه آگاهی از هویت ملی و هویت‌یابی از مسائل اساسی و ضروری هر جامعه‌ای است؛ به ویژه جوامعی که در مسیر فرایند پرشتاب مدرنیته، و به دنبال آن باورداشت‌های فرهنگی و تمدنی‌شان در تضاد با یکدیگر قرار می‌گیرد. در چنین اوضاعی است که شفاف‌سازی و انسجام‌بخشی مفهوم هویت و ارائه تعریف و توصیفی رسا، استوار و خدشه‌ناپذیر از آن، می‌تواند راهکاری مناسب و سنجیده برای رهایی هویت هر جامعه‌ای از آسیب‌پذیری و نابسامانی باشد.

در این میان نقش آموزش و پرورش^۲، در کنار نهاد خانواده، در خور توجه جدی است. تأثیر این نهاد بر ذهن و روان مخاطبان، در زمره پایدارترین نوع اثربخشی اجتماعی و فرهنگی به شمار می‌رود. به جرئت می‌توان ادعا کرد که نقش این نهاد عظیم در شکل‌دهی به هویت ملی، حفظ و انتقال میراث فرهنگی ملت‌ها به نسل‌های آینده، ایجاد حس علاقه به سرزمین و میهن‌دوستی و در نهایت احیا و تکوین هویت ملی، در مقابل سایر نهادها بی‌بدیل و انکارناپذیر است.

۱. طرح مسئله

کتاب‌های درسی از مهم‌ترین ابزار نظام آموزش و پرورش در انتقال و تعمیق هویت ملی در ذهن و شخصیت دانش‌آموزان است. از آنجا که کتاب‌های درسی تجلی‌گاه سیاست‌های فرهنگی، دینی، سیاسی و اجتماعی کشورهاست، این سیاست‌ها باید به گونه‌ای سامان‌دهی و تدوین شود که خودشناسی ملی و هویت ملی دانش‌آموزان را افزایش دهد؛ به عبارتی دیگر دانش‌آموزان را با چیستی و مفهوم هویت در سطوح مختلف فردی، جمعی و ملی و مؤلفه‌ها و مصداق‌های آن آشنا سازد. ضمن آنکه به دلیل حضور درازدامن فرهنگ و تمدن ایران در بخش وسیعی از آسیا و اروپای شرقی - جهان ایرانی - توجه به حوزه تمدنی ایران را در تألیف این کتاب‌ها دوچندان کرده است.

1. Globalization

2. Education

نظر به اهمیت چندبعدی هویت در حوزه‌های مطالعاتی سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و روانشناسی، و موقعیت بین‌رشته‌ای این مفهوم و نیز جایگاه آموزش و پرورش در هویت‌یابی، معنانشناسی هویت و شناسایی سطوح مختلف و مؤلفه‌های آن، مسئله اصلی این پژوهش، بررسی جایگاه هویت ملی و حوزه تمدنی ایران در برخی از کتاب‌های درسی رشته‌های علوم انسانی، علوم تجربی و ریاضی و فیزیک در مقطع دبیرستان است. در این جستار، پس از بیان کلیات، چهار عنوان کتاب تاریخ، زبان فارسی، ادبیات فارسی و جامعه‌شناسی (در مجموع ۱۶ جلد با ۲۵۳ درس) با همین نگاه، بررسی و تحلیل محتوا شده است.

۲. سؤال‌های تحقیق

۱. بسامد هویت ملی ایران و مؤلفه‌ها و شاخصه‌های آن در کتاب‌های درسی به چه میزان است؟
۲. مفهوم نظری هویت در کتاب‌های درسی در سطوح مختلف فردی، جمعی و ملی، چگونه تبیین شده است؟
۳. مؤلفان کتاب‌های درسی مفهوم نظری جهان ایرانی را در حوزه تمدنی ایران، در مناطقی از قبیله آسیای مرکزی، قفقاز و شبه‌قاره چگونه بیان کرده‌اند؟

۳. فرضیه پژوهش

اگرچه مؤلفان کتاب‌های درسی در بازتاب عناصر هویت ملی ایران و شاخصه‌های آن، و تبیین مفهوم مباحث نظری هویت موفقیت نسبی خوبی داشته‌اند، در بازنمودن هویت جهان ایرانی و انعکاس آن کاملاً ناموفق‌اند؛ به گونه‌ای که می‌توان ادعا کرد مؤلفان این کتاب‌ها تصور درست و به دنبال آن برنامه دقیق برای انعکاس جهان ایرانی و حضور مؤثر آن در حوزه تمدن ایران نداشته‌اند.

۴. مروری بر پیشینه تحقیق

درباره جایگاه هویت ملی در کتاب‌های درسی آموزش و پرورش (مقطع متوسطه)، به ویژه محدوده پژوهش حاضر، تحقیق مستقلی انجام نشده است. با بررسی منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی، در یکی از مقالات در پایگاه اطلاع‌رسانی www.mytabriz.com/news مقاله‌ای با نام «بازتاب هویت اقوام ایرانی در کتاب‌های درسی» مشاهده شد که در

ارتباط با موضوع پژوهش حاضر است. در این مقاله، دکتر داور شیخاوندی در پی کندوکاو هویت اقوام ایرانی و نحوه ارائه و بسامد آن در برخی کتاب‌های درسی مقاطع تحصیلی ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان است. بنابراین این مقاله با این رویکرد و این روش (استفاده از برنامه Spss و Exel) نخستین پژوهش در این حوزه به شمار می‌رود.

۵. تعریف مفاهیم تحقیق

۵-۱. مؤلفه‌های هویت ملی در ایران

مؤلفه‌های هویت‌ساز از دیدگاه جامعه‌شناسان و انسان‌شناسان در سه عامل مکان، زمان و فرهنگ خلاصه می‌شود. آن‌ها در بیان اهمیت هویت‌سازی مکان، دلیل اصلی بحران هویت را در جوامع سنتی به مکان نسبت می‌دهند. جامعه‌شناسان برآنند که ارتباط بین مکان‌های زندگی افراد و هویت آن‌ها تنگاتنگ و درهم‌تنیده است؛ اما امروزه با شتاب گرفتن روند گسست فضا و مکان، این ارتباط و بالطبع توانایی هویت‌سازی مکان از بین رفته است. زمان هم از مؤلفه‌های اصلی هویت‌ساز است. از منظر نظریه‌پردازان جامعه‌شناس، هویت بر تداوم (ثبات شخصیت در طول زمان) استوار است و تداوم بر زمان؛ پس هویت‌ها نیازمند تداوم هستند و چنین تداومی حس نمی‌شود، مگر اینکه گذشته‌ای معنادار وجود داشته باشد که از نظر فردی خاطره، و از نظر اجتماعی تاریخ است. فرهنگ نیز مقوله‌ای تفاوت‌مدار است که شیوه زندگی خاص و در پی آن هویتی خاص را به وجود می‌آورد. فرهنگ در جوامع سنتی از پایدارترین منابع هویت‌ساز به شمار می‌رفته است؛ چرا که در چنین جوامعی فرهنگ، انحصاری، ثابت، منسجم و عنصری تأثیرگذار بر نوع زندگی افراد بود؛ اما امروزه این فضای انحصاری به دلیل فن‌آوری‌های ارتباطی کمرنگ شده، و توانایی هویت‌سازی سنتی آن کاهش یافته است (حسینی، ۱۳۸۳).

آنچه در این پژوهش، از آن‌ها با نام مؤلفه‌های هویت ملی یاد شده است، چهار عنصر اصلی تاریخ، فرهنگ، قلمرو جغرافیایی - سیاسی (سرزمین و میراث سیاسی ایران) و دین و مذهب است. شاکله کلی این‌گونه تقسیم‌بندی عوامل هویت ملی ایران، در حقیقت - با اندک اختلاف - برگرفته از مدل‌هایی است که در بیشتر کتب و مقالات با موضوع هویت تألیف شده‌اند. درخور توجه است که اختلاف نظرهایی که در عوامل و عناصر هویت‌ساز مشاهده می‌شود، گاه به دلیل ماهیت تحول‌پذیر هویت است که با گذشت زمان پیوسته در قالب نظریات و دیدگاه‌های مختلف، تعاریف، ابعاد و عوامل

سازنده آن تغییر می‌کند. از سوی دیگر می‌توان به این نکته نیز اشاره کرد که محققان و متفکران حوزه‌های مختلف علوم، هر یک بر مبنای نگرش خود مفهوم هویت را می‌کاوند؛ اندیشمندان علوم سیاسی بیشتر بر هویت ملی، روانشناسان بر هویت فردی، و جامعه‌شناسان بر هویت جمعی تأکید می‌کنند.

در ترسیم مدل عناصر هویت‌ساز، شاخصه‌هایی که در حین بررسی کتب درسی به چشم خورده (در کتاب جامعه‌شناسی ۲ بیشتر این شاخصه‌ها مشاهده می‌شود)، ذیل هر کدام از عوامل اصلی ذکر شده است. این گونه طبقه‌بندی عناصر به صورت مجموعه اصلی و فرعی و ارائه آمار و ارقام، می‌تواند با دقت بیشتری میزان حضور مؤلفه‌ها و انعکاس آن‌ها را در کتاب‌های درسی بیان کند:

۱. فرهنگ (در مجموع ده متغیر): زبان، ادبیات، اعیاد و جشن‌ها، لباس و نوع پوشش، آداب و رسوم و سنت‌ها، اخلاق و رفتار، اساطیر، فلکلور، ضرب‌المثل‌ها، هنر و معماری.

۲. تاریخ (در مجموع چهار متغیر): مشاهیر ادبی، سیاسی و علمی، مسائل تاریخی ملی، تاریخ و تمدن و اقوام.

۳. قلمرو جغرافیایی - سیاسی (در مجموع سیزده متغیر): دفاع از میهن، حفظ تمامیت ارضی، ملت، جغرافیای سرزمین، نظام سیاسی ایران، قانون اساسی، وطن، جنگ، شهادت و ایثار، ولایت فقیه، پرچم، انتخابات و شعارهای انقلاب. همان‌طور که پیشتر تبیین شد، هویت‌ها عناصری سیال و در حال رشد و تحول هستند و نظام سیاسی کشورها در شکل‌دهی به آن‌ها تأثیر بسزایی دارند. تغییرات هویتی پس از انقلاب که بر اساس اتخاذ نوعی ایدئولوژی اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) شکل گرفته بود، بازتعریفی از هویت ملی مبتنی بر اندیشه اسلامی و دینی به دست داد و تحول در برخی ارزش‌ها و تغییر در نگرش بعضی مفاهیم، از قبیل جنگ و دفاع از وطن، شهادت، ایثار، احیای تفکر دینی، قانون اساسی، پرچم، واژه انقلاب اسلامی، ولایت فقیه و انتخابات - همگی این عناصر جزء تغییرات هویتی بعد از انقلاب و از دستاوردهای انقلاب شکوهمند اسلامی ایران به شمار می‌رود - به وجود آورد.

۴. دین و مذهب (در مجموع سه متغیر): دین، مذهب، مکاتب و فرق.

۲-۵. آموزش و پرورش و نقش آن در هویت‌سازی

هر انسانی در نهاد و ذات خویش توانایی‌هایی دارد که اگر در فرایند تعلیم و تربیت قرار گیرد، استعدادهای فطری‌اش رشد و تکامل می‌یابد و بخشی از شخصیت،

گرایش‌ها و ارزش‌های فردی‌اش شکل می‌گیرد و در نهایت می‌تواند با بهره‌مندی از شرایطی که آموزش و پرورش برایش فراهم می‌کند، با جامعه سازگاری، و زندگی سالمی داشته باشد. در تعریفی جامع از فرایند آموزش و پرورش، می‌توان چنین گفت: «تربیت، ذاتاً اجتماعی، تعاملی، هدفمند، پرهزینه و مستلزم پیگیری است و آثارش در بلندمدت ظاهر می‌شود.» (شعاری‌نژاد، ۱۳۸۶: ۳۴۵)

اما در خصوص وظایف و مسئولیت‌های فلسفه جدید آموزش و پرورش باید گفت آنچه مطمح نظر فلسفه جدید قرار دارد، مطالعه و تحلیل انتقادی و ژرف‌کاوانه ارزش‌ها و مفاهیم بنیادی آموزش و پرورش، متناسب با نیازهای فعلی و آینده جامعه و افراد است. اساس کلی این فلسفه، توجه به آینده تمدن و هدف‌های فرهنگی آن و کیفیت تحقق این هدف‌ها برای تأمین سلامت فرهنگی است (شعاری‌نژاد، ۱۳۸۶: ۳۶۳).

احساس از خود بیگانگی^۱، احساس غیرانسانی^۲ و احساس بی‌هویتی^۳ سه خطر روان-اجتماعی است که انسان امروز با آن مواجه است (شعاری‌نژاد، ۱۳۸۶: ۲۹۹)؛ خطرهایی که معلول آن، چیزی جز مدرنیته و فرایند صنعتی‌شدن تک‌بعدی نیست. خطرهای و بحران‌های یاد شده، از زمانی که کشور ما آهنگ ترقی و توسعه کرده، ما را نیز درگیر ساخته و دانشمندان حوزه‌های مختلف علوم را در دغدغه اندیشیدن تدابیری برای مقابله و مواجهه با این بحران‌ها فرو برده است. در این میان رسالت خطیر آموزش و پرورش از سایر نهادها پررنگ‌تر و تأثیرگذارتر به نظر می‌رسد. آموزش و پرورش می‌تواند از یک سو با تربیت معلمان شایسته، آگاه و دلسوز به فرهنگ و هویت ایران، آنان را با مبانی نظری این مهم آشنا سازد، و از سوی دیگر با اقدامات بنیادی و سازنده، از جمله تجدیدنظر در وضع مدارس، به ویژه تحول در محتوای کتاب‌های درسی و استفاده از روش‌های تدریس مناسب، به منظور بازکاوی و تبیین ابعاد و مؤلفه‌های هویت ملی و دینی در تقویت و تعمیق این مصادیق بکوشد.

امروزه ما در جهانی زندگی می‌کنیم که مرزهای جغرافیایی، سیاسی و اقتصادی کشورها شکسته شده و فرهنگ‌ها، سنت‌ها و هویت‌های ملل مختلف در تبادل و تعارض و گاه در خطر اضمحلال و هضم شدن در فرهنگ کشور بیگانه قرار گرفته‌اند. در مواجهه با چنین اوضاع و احوال، راهی جز کاربست ایدئولوژی مبتنی بر ایمان و ایجاد تغییرات سازنده، و آماده کردن زمینه مواجهه با سایر فرهنگ‌ها را نداریم. در حقیقت، چنین آمادگی و ظرفیت برای پذیرش جنبه‌های مثبت فرهنگی و دفع ابعاد

1. Alienation

2. Dehumanization

3. Deindividuation

منفی آن، فقط از طریق تربیت سالم از سوی آموزش و پرورش میسر است. آموزش و پرورش باید با ایجاد تعامل و تناسب و به وجود آوردن فرهنگ و هویت مشترک ایرانی-اسلامی بین نسل‌ها و گروه‌های مختلفی که همزمان در کشور زندگی می‌کنند، تعارضی را که بین نسل‌ها در تعریف از مفهوم و مصادیق هویت وجود دارد، از میان بردارد (شعاری‌نژاد، ۱۳۸۶: ۳۰۴-۳۰۰). از سوی دیگر، با شناساندن میراث بزرگ تمدن پیشین ایران و معرفی ظرفیت‌های پیش‌روی این تمدن در عصر حاضر که بخشی از آن هنوز در خارج از مرزهای ایران- در حوزه جهان ایرانی- به حیات خود ادامه می‌دهد، به این مهم یاری رساند.

۶. چارچوب نظری و مفهومی تحقیق

۶-۱. تعریف هویت

در پاسخ به چیستی هویت، تعاریف گوناگونی از دیدگاه‌های مختلف عرضه شده است. کلمه هویت از نظر لغوی به معنای هستی، وجود، ماهیت و سرشت است. این واژه را برای اولین بار اریکسون^۱ برای بیان مرحله‌ای از تحول جسمی و شخصیتی انسان که به هویت فردی معنا شده است به کار برد؛ ولی بعدها به تدریج وارد سایر حوزه‌های علوم انسانی گردید (میرمحمدی، ۱۳۸۳: ۸). هویت در حقیقت مجموعه‌ای از علائم آثار مادی، زیستی، جامعه‌ای، فرهنگی و روانی است که موجب شناسایی فرد از فرد، گروه از گروه و اهلیتی از اهلیت دیگر می‌شود (شیخاوندی، ۱۳۸۰: ۶). هویت عامل شناسایی خود از خود و من از خود و نیز عامل شناسایی جامعه از خود و جامعه از من است (علیخانی، ۱۳۸۶: ۱۴۶). از همین رو، در پرتو هویت نوع اول، شرط لازم برای وارد شدن به عرصه تعامل در جهان محقق می‌شود و در سایه هویت نوع دوم، روابط اجتماعی شکل می‌گیرد.

۶-۲. ابعاد هویت

نظریه پردازان هویت در حوزه‌های علوم اجتماعی، سیاسی، روانشناسی و فلسفه، هویت را در ابعاد فردی، اجتماعی، فرهنگی و ملی، مطالعه و بررسی می‌کنند. آنتونی گیدنز^۲، نظریه پرداز و جامعه‌شناس، در تفهیم هویت فردی، هویت هر شخص را در «توانایی و ظرفیت وی برای حفظ و ادامه روایت مشخصی از زندگی‌نامه‌اش جست‌وجو می‌کند و شرح حال در زندگی اجتماعی مدرن را هسته اصلی هویت فردی می‌داند». (علیخانی،

1. Erickson (1902-1994)

2. Anthony Giddens (1938)

۱۳۸۶: ۱۴۸) هویت در بعد فردی در حوزه روانشناسی مطرح شده است. در واقع بخش فردی هویت، ویژگی‌های فردی تثبیت‌شده در فرد هستند که فرد را متمایز از دیگران جلوه می‌دهند. بیشتر نظریه‌پردازان شخصیت و روانشناسان، هویت را در درجه نخست امری فردی و شخصی می‌دانند (نیازی، ۱۳۸۶: ۶۵).

جایگاه فرد در جامعه، هویت جمعی او را شکل می‌دهد. هویت اجتماعی، گسترده‌تر، متنوع‌تر و شامل چندین لایه و گونه است: از هویت نژادی گرفته تا هویت ایلی، قومی، شغلی، حرفه‌ای و هویت مذهبی (علیخانی، ۱۳۸۳: ۱۶۷). هویت‌های اجتماعی محصول هویت فرد در میان گروه‌ها و اجتماعات مختلف است. جرج هربرت مید^۱، مهم‌ترین نظریه‌پرداز هویت اجتماعی، معتقد است:

هر فرد هویت یا خویشتن خود را از طریق سازمان‌دهی نگرش‌های فردی دیگران در قالب نگرش‌های سازمان‌یافته اجتماعی یا گروهی شکل می‌دهد. به عبارت دیگر تصویری که فرد از خود می‌سازد و احساسی که به خود پیدا می‌کند، در اصل بازتاب نگرشی است که دیگران به او دارند (علیخانی، ۱۳۸۶: ۱۵۲).

هویت فرهنگی هم مجموعه‌ای از آداب و رسوم، سنت‌ها، اعتقادات مذهبی، فلکلور، باورها و ارزش‌هایی است که گروهی انسانی به کار می‌بندد تا خود را با یکدیگر سازگار، و از سایر فرهنگ‌ها متمایز کند.

هویت ملی فراگیرترین و بالاترین سطح هویت است. هویت ملی از زمانی اهمیت پیدا کرد که کشورها در قالب تشکلهای سیاسی مستقل (ملت) سربرآوردند و افراد و گروه‌های انسانی خود را متعلق به آن ملت دانستند. هویت ملی مهم‌ترین مشخصه ملت و برجسته‌ترین عامل تفکیک ملتی از ملت دیگر است. رابرت دونشوز هویت ملی را مشروع‌ترین سطح هویت در تمام نظام‌های اجتماعی می‌داند. هویت ملی از نظر او محصول تعامل چهار عنصر است: ۱. عوامل نخستین، از قبیل زبان و ادبیات؛ ۲. عوامل تکوینی، مثل دولت، ارتش مدرن و قانون اساسی؛ ۳. عوامل القایی، مثل آموزش عالی؛ ۴. عوامل واکنشی، مثل دفاع از سرزمین (علیخانی، ۱۳۸۶: ۱۵۵ و ۱۵۶).

۳-۶. رویکردهای نظری هویت

در زمینه مفهوم‌سازی و نظریه‌پردازی هویت در حوزه علوم اجتماعی و روانشناسی، رویکردهای نظری زیر معرفی می‌شود:

1. George Herbert Mead (1863-1931)

برخی سه رویکرد در نظریه‌پردازی هویت ذکر می‌کنند که عبارت‌اند از: سازه‌گرایی اجتماعی^۱، ماهیت – جوهرگرایی^۲ و رویکرد گفتمانی^۳ (تاجیک، ۱۳۷۶: ۶۱-۶۹). در رهیافت سازه‌گرایی اجتماعی، هویت ساخته و پرداخته شرایط اجتماعی است. نگرش جوهرگرایی، دیدگاه ذات‌گرایان است. اینان برای هویت، جوهری ثابت و ایستا قائل هستند. نظریه گفتمانی هم به جریان پسامدرن تعلق دارد و رهیافتی است که از رهگذر انتقاد از جریان مدرنیته حاصل شده است. در این رویکرد اعتقاد بر این است که هویت دستاورد گفتمان‌هاست.

بعضی از نظریه‌پردازان علوم اجتماعی نیز در طبقه‌بندی رویکردهای هویت، از هویت پشامدرن^۴، هویت مدرن^۵ و هویت پست‌مدرن^۶ یاد می‌کنند:

هویت پیش‌مدرن (سنتی): در جوامع سنتی، هویت همواره اجتماعی و هویت فردی اغلب ثابت و ایستا و بر تعریف مشخصی استوار بوده است. در این نظام از جایگاه و موقعیت انسان و چیستی و کیستی او پرسش نمی‌شده؛ لذا هویت فردی معنا و اعتباری نداشته است (مهدی‌زاده، ۱۳۸۳).

هویت مدرن: در رویکرد مدرن به هویت که با ورود به عصر روشنگری در دوران مدرنیته و مواجه شدن هویت با بحران شکل گرفت، انسان در پیوند با امکانات وسیع و پرمایه‌ای که جامعه در اختیار او نهاده است، هویت خود را برمی‌گزیند. در این دوران مسئله‌ای به نام فاعل شناسا یا سوژه مطرح شد و انسان در مرکز کیهانشان، و در تلاشی برای یافتن خویشتن واقعی خود قرار گرفت (مهدی‌زاده، ۱۳۸۳).

هویت پست‌مدرن: در دوران پست‌مدرن که گستره‌ای از هویت‌های تازه و گوناگون سربرآورده، جوامع نیز با شتاب بی‌سابقه‌ای در حال چندپاره شدن هستند، داشتن هویت یک‌پارچه، آگاه و یگانه – که دستاورد فلسفه دکارت^۷ بود – برای انسان دشوار و گاه ناممکن است. نظریه‌پردازان پست‌مدرن هر گونه اندیشه خویشتن را – که دستاورد مدرنیست‌ها بود – کنار گذاشتند و اصول اعتقادات خود را بر ازم‌پاشیدگی، آرزوهای پاره پاره و تصنعی، ذهنیت و هویت ناپایدار و غیرذاتی و پراکندگی و تجزیه فرد بنیان نهادند. فردریک جیمسون^۸ و ژان بودریار^۹ نشان دادند که چگونه خویشتن‌هایی که در مدرنیته به دست آمدند، در بحبوحه مصرف‌گرایی و فرهنگ توده‌ای نابود شدند. میشل

1. Social constructionism
2. Essentialism
3. Discursive

4. Pre Modern Identity
5. Modern Identity
6. Post Modern Identity

7. René Descartes (1596-1650)
8. Jameson F. (1934)
9. Budrillard J. f.(1929)

فوکو^۱ و ژاک لاکان^۲ نیز اذعان کردند خویشتن ثابت و منسجم از اول هم چیزی بیش از یک توهم نبوده است. استوارت هال^۳ هم نظریه پنج گسست یا تحول عمده در گفتمان‌های شناخت مدرن را مطرح می‌کند. تحت تأثیر پنج گسست هال، سوژه عصر روشنگری (فاعل شناسای ویلیام جیمز) که دارای هویتی ثابت و پایدار بود، به هویت‌های باز، متضاد، ناقص و چندپاره تبدیل شد (مهدی‌زاده، ۱۳۸۳).

۷. روش‌شناسی پژوهش

روش تحقیق در این مطالعه، تحلیل محتوا مبتنی بر ارائه آمار و ارقام با استفاده از برنامه‌های Spss و Exel است. روش تحلیل محتوا در بسیاری از زمینه‌های تحقیقاتی، روشی ارزشمند شناخته شده است. این روش قابلیت بسیاری برای جمع‌آوری و طبقه‌بندی مطالعات عینی دارد:

فکر بنیادی تحلیل محتوا عبارت است از قرار دادن اجزای یک متن، کلمه‌ها، جمله‌ها، پارگراف‌ها و مانند آن بر حسب واحدهایی که انتخاب می‌کنیم در تعدادی مقوله که از پیش تعیین شده‌اند. کمیت کلمه‌ها، یا جمله‌ها یا پارگراف‌ها و مانند آن‌ها بر حسب این مقوله‌ها، نتیجه تحلیل را معین می‌کنند (طاهری، ۱۳۸۴: ۱۷۱؛ هولستی، ۱۳۸۰: ۱۳).

در این تحقیق، مؤلفه‌های هویت ملی در چهار بخش یاد شده استخراج، و به صورت جدول و نمودار نمایش داده شده است. پس از آن داده‌های جدول‌ها و نمودار تحلیل شده و در پایان نتیجه‌گیری آمده است.

شیوه جمع‌آوری اطلاعات استقرایی (تمام‌شماری) است. جامعه آماری مؤلفه‌های هویت‌ساز (فرهنگ، تاریخ، دین و مذهب و قلمرو جغرافیایی و سیاسی) در شانزده کتاب درسی تاریخ، زبان فارسی، ادبیات فارسی و جامعه‌شناسی مقطع دبیرستان رشته‌های ادبیات و علوم انسانی، علوم تجربی و ریاضی و فیزیک (چاپ ۱۳۸۶) تحلیل و بررسی شده است.

۸. یافته‌های تحقیق

۸-۱. داده‌ها

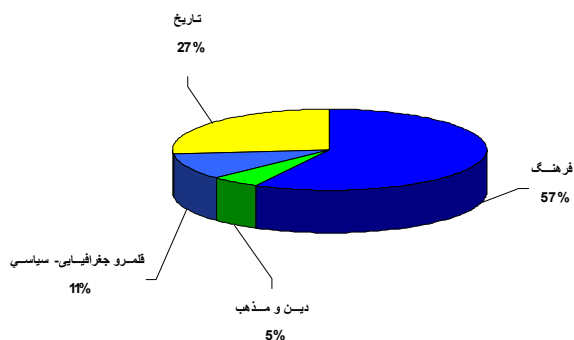
مجموع داده‌های این پژوهش با عناوین کلی فرهنگ، تاریخ، قلمرو جغرافیایی - سیاسی، دین و مذهب و متغیرهای آن، از شانزده جلد کتاب‌های درسی تاریخ، زبان فارسی، ادبیات فارسی و جامعه‌شناسی مقطع متوسطه (در مجموع ۲۵۳ درس) استخراج شده و در جدول‌های زیر آمده است.

1. Michel Foucault (1926-1984) 2. Jacques Lacan (1901-1987) 3. Stuart Hall (1932)

جدول شماره ۱: مؤلفه‌های هویت ملی در کتب درسی

مؤلفه‌های هویت ملی	فرهنگ	تاریخ	قلمرو جغرافیایی سیاسی	دین و مذهب
مطالعات اجتماعی س ۱ (مشترک)	۳۰ ۷	۳۰ ۳	۳۰ ۱۷	۳۰ ۰
جامعه‌شناسی (۱) س ۲ (انسانی)	۱۸ ۵	۱۸ ۴	۱۸ ۷	۱۸ ۰
جامعه‌شناسی (۲) س ۳ (انسانی)	۱۷ ۷	۱۷ ۶	۱۷ ۱۰	۱۷ ۰
تاریخ ادبیات ایران و جهان (۱) س ۲ (انسانی)	۱۸ ۹۸	۱۸ ۲۴	۱۸ ۱	۱۸ ۱۳
تاریخ ادبیات ایران و جهان (۲) س ۳ (انسانی)	۱۸ ۶۲	۱۸ ۱۱	۱۸ ۶	۱۸ ۷
زبان فارسی (۱) س ۱ (مشترک)	۲۸ ۴۲	۲۸ ۰	۲۸ ۱	۲۸ ۰
زبان فارسی (۲) س ۲ (مشترک)	۲۸ ۴۱	۲۸ ۴	۲۸ ۱	۲۸ ۰
زبان فارسی (۳) س ۳ (انسانی)	۲۷ ۴۷	۲۷ ۱	۲۷ ۴	۲۷ ۰
زبان فارسی (۳) س ۳ (تجربی و ریاضی)	۲۵ ۴۶	۲۵ ۰	۲۵ ۰	۲۵ ۰
ادبیات فارسی (۱) س ۱ (مشترک)	۲۲ ۵۸	۲۲ ۱۱	۲۲ ۱۱	۲۲ ۲
ادبیات فارسی (۲) س ۲ (مشترک)	۲۰ ۷۶	۲۰ ۴	۲۰ ۰	۲۰ ۰
ادبیات فارسی (۳) س ۳ (انسانی)	۳۰ ۷۲	۳۰ ۲	۳۰ ۳	۳۰ ۴
ادبیات فارسی (۳) س ۳ (ریاضی و تجربی)	۲۳ ۶۲	۲۳ ۴	۲۳ ۷	۲۳ ۳
تاریخ ایران و جهان (۱) س ۳ (انسانی)	۱۰ ۳۴	۱۰ ۱۴	۱۰ ۱	۱۰ ۱۱
تاریخ ایران و جهان (۲) س ۳ (انسانی)	۱۶ ۲۱	۱۶ ۱۰۴	۱۶ ۲۶	۱۶ ۱۳
تاریخ معاصر ایران س ۳ (ریاضی و تجربی)	۲۵ ۱۶	۲۵ ۱۳۰	۲۵ ۳۳	۲۵ ۷

نمودار شماره ۱: فراوانی مؤلفه‌های هویت ملی در کتب درسی

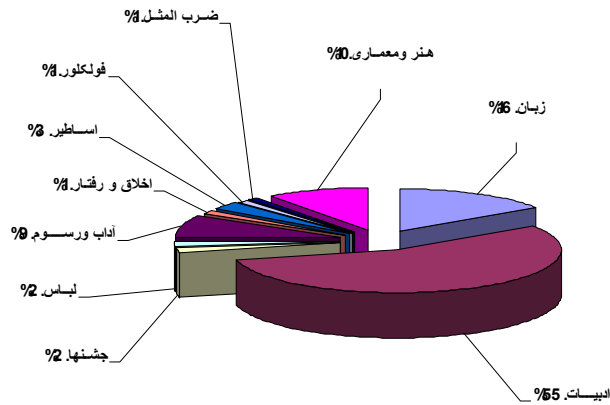


در جدول و نمودار شماره یک، بسامد و فراوانی چهار عنصر اصلی هویت ملی ایرانی در کتب درسی مقطع متوسطه نشان داده شده است. عدد بالا در جدول، تعداد درس و عدد پایین تعداد مؤلفه‌های یادشده را - که در آن درس تکرار شده است - نشان می‌دهد. همان طور که از آمار و درصدها برمی‌آید، بیشترین فراوانی به عنصر فرهنگ و پس از آن به ترتیب به تاریخ، قلمرو جغرافیایی - سیاسی و دین و مذهب اختصاص دارد. داشتن بیشترین فراوانی فرهنگ با ۵۷ درصد گویای این مهم است که این عامل از منظر برنامه‌ریزان و سیاستگذاران نظام آموزشی کشور در مقایسه با سایر مصادیق هویت حائز اهمیت بیشتری است.

جدول شماره ۲: شاخصه‌های مؤلفه فرهنگ

فرهنگ	زبان	ادبیات	پیشن‌ها	لباس و سنن	آداب و رسوم	اخلاق و رفتار	اساطیر	فلک‌لور	ضرب‌المثل	هنر و معماری
مطالعات اجتماعی س ۱ (مشترک)	-	-	-	-	۷ ۵	۷ ۱	-	-	۷ ۱	-
جامعه‌شناسی (۱) س ۲ (انسانی)	-	-	-	-	۵ ۴	-	۵ ۱	-	-	-
جامعه‌شناسی (۲) س ۳ (انسانی)	-	-	۷ ۱	۷ ۱	-	-	۷ ۱	-	-	۷ ۴
تاریخ ادبیات ایران و جهان (۱) س ۲ (انسانی)	۹۸ ۷	۹۸ ۸۳	-	-	-	۹۸ ۲	۹۸ ۲	-	-	۹۸ ۳
تاریخ ادبیات ایران و جهان (۲) س ۳ (انسانی)	۶۲ ۷	۶۲ ۵۰	-	-	-	-	-	-	-	۶۲ ۵
زبان فارسی (۱) س ۱ (مشترک)	۴۲ ۱۸	۴۲ ۲۰	-	۴۲ ۱	۴۲ ۱	-	۴۲ ۲	-	-	-
زبان فارسی (۲) س ۲ (مشترک)	۴۲ ۲۵	۴۲ ۱۵	-	-	-	-	-	-	-	۴۲ ۱
زبان فارسی (۳) س ۳ (انسانی)	۴۷ ۲۶	۴۷ ۱۷	۴۷ ۱	-	-	۴۷ ۱	۴۷ ۲	-	-	-
زبان فارسی (۳) س ۳ (تجربی و ریاضی)	۴۶ ۲۲	۴۶ ۱۰	۴۶ ۱	۴۶ ۴	۴۶ ۳	-	۴۶ ۱	-	۴۶ ۵	-
ادبیات فارسی (۱) س ۱ (مشترک)	-	۵۸ ۴۲	-	۵۸ ۱	۵۸ ۵	۵۸ ۱	-	۵۸ ۱	-	۵۸ ۸
ادبیات فارسی (۲) س ۲ (مشترک)	-	۷۶ ۵۶	-	-	۷۶ ۶	۷۶ ۱	۷۶ ۲	۷۶ ۱	۷۶ ۱	۷۶ ۹
ادبیات فارسی (۳) س ۳ (انسانی)	-	۷۲ ۴۷	۷۲ ۳	۷۲ ۱	۷۲ ۵	۷۲ ۱	۷۲ ۶	۷۲ ۱	۷۲ ۱	۷۲ ۷
ادبیات فارسی (۳) س ۳ (ریاضی و تجربی)	-	۶۲ ۴۵	۶۲ ۲	۶۲ ۲	۶۲ ۴	-	۶۲ ۴	۶۲ ۳	۶۲ ۱	۶۲ ۱
تاریخ ایران و جهان (۱) س ۳ (انسانی)	۳۴ ۳	-	۳۴ ۱	-	۳۴ ۴	۳۴ ۱	-	-	-	۳۴ ۲۵
تاریخ ایران و جهان (۲) س ۳ (انسانی)	-	۲۱ ۱	۲۱ ۱	-	۲۱ ۱۳	-	-	-	-	۲۱ ۶
تاریخ معاصر ایران س ۳ (ریاضی و تجربی)	-	۱۶ ۱	۱۶ ۳	۱۶ ۲	۱۶ ۱۰	-	-	-	-	-

نمودار شماره ۲: فراوانی شاخصه‌های مؤلفه فرهنگ

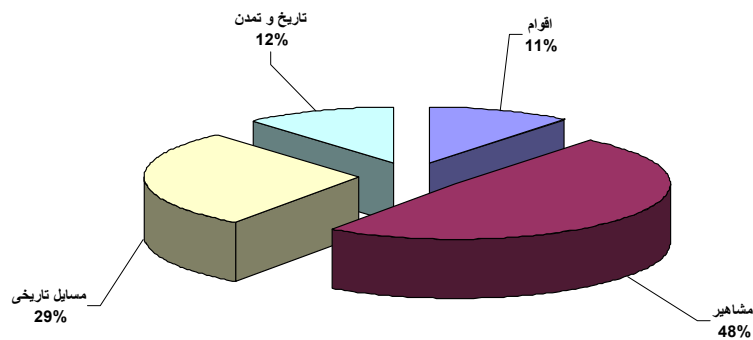


در جدول و نمودار شماره دو میزان حضور و فراوانی شاخصه‌های مؤلفه فرهنگ در کتب درسی ارائه شده است. در جدول و نمودار فوق بیشترین فراوانی به شاخصه ادبیات (۵۵ درصد) و پس از آن به زبان، هنر و معماری، آداب و رسوم، اساطیر، جشنها، لباس، اخلاق و رفتار، فولکلور و ضرب المثل اختصاص دارد. نکته قابل تأمل در آمار ارائه شده، دارا بودن کمترین فراوانی شاخصه‌هایی همچون ضرب المثل (۱ درصد)، فولکلور (۱ درصد) و لباس (۲ درصد) است که باید از سوی برنامه‌ریزان نظام آموزش و پرورش و مؤلفان کتب درسی توجه بیشتری بدان مبذول شود. درباره اعداد این جدول و جداول پس از این، ذکر این نکته ضروری است که رقم بالا بیانگر تکرار مؤلفه اصلی (به عنوان مثال فرهنگ) در آن درس و عدد پایین نشان‌دهنده تکرار شاخصه مورد نظر (برای مثال زبان) است.

جدول شماره ۳: شاخصه‌های مؤلفه تاریخ

تاریخ و تمدن	مسائل تاریخی	مشاهیر	اقوام	تاریخ
-	۳ ۳	-	-	مطالعات اجتماعی س ۱ (مشترک)
-	-	۴ ۴	-	جامعه‌شناسی (۱) س ۲ (انسانی)
۶ ۲	۶ ۱	۶ ۳	-	جامعه‌شناسی (۲) س ۳ (انسانی)
۲۴ ۱۴	۲۴ ۵	۲۴ ۲	۲۴ ۳	تاریخ ادبیات ایران و جهان (۱) س ۲ (انسانی)
۱۱ ۲	۱۱ ۶	۱۱ ۳	-	تاریخ ادبیات ایران و جهان (۲) س ۳ (انسانی)
-	-	-	-	زبان فارسی (۱) س ۱ (مشترک)
۴ ۱	۴ ۲	۴ ۱	-	زبان فارسی (۲) س ۲ (مشترک)
-	-	-	۱ ۱	زبان فارسی (۳) س ۳ (انسانی)
-	-	-	-	زبان فارسی (۳) س ۳ (تجربی و ریاضی)
۱۱ ۱	۱۱ ۵	۱۱ ۳	۱۱ ۲	ادبیات فارسی (۱) س ۱ (مشترک)
۴ ۲	۴ ۱	-	۴ ۱	ادبیات فارسی (۲) س ۲ (مشترک)
۲ ۱	-	-	۲ ۱	ادبیات فارسی (۳) س ۳ (انسانی)
۴ ۱	-	-	۴ ۱	ادبیات فارسی (۳) س ۳ (ریاضی و تجربی)
۱۴ ۹	۱۴ ۲	-	۱۴ ۳	تاریخ ایران و جهان (۱) س ۳ (انسانی)
۱۰۴ ۳	۱۴ ۲	۱۰۴ ۵۸	۱۰۴ ۱۴	تاریخ ایران و جهان (۲) س ۳ (انسانی)
۱۳۰ ۱	۱۳۰ ۳۸	۱۰۳ ۸۳	۱۳۰ ۷	تاریخ معاصر ایران س ۳ (ریاضی و تجربی)

نمودار شماره ۳: فراوانی شاخصه‌های مولفه تاریخ

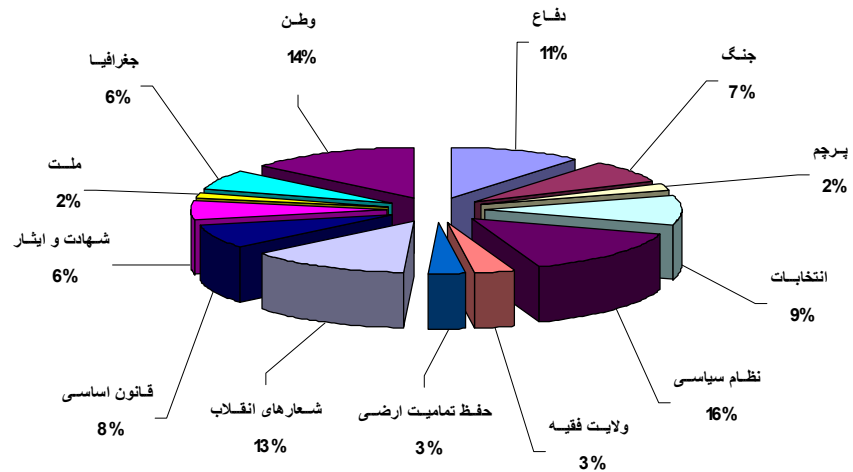


جدول و نمودار شماره سه نیز نشان‌دهنده میزان حضور و فراوانی شاخصه‌های مؤلفه تاریخ است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود بیشترین فراوانی به مشاهیر (۴۸ درصد) و کمترین فراوانی به اقوام (۱۱ درصد) اختصاص دارد.

جدول شماره ۴: شاخصه‌های مؤلفه قلمرو جغرافیایی - سیاسی

قلمرو جغرافیایی - سیاسی	دفاع	جنگ	پرچم	انتخابات	نظام سیاسی ایران	ولایت فقیه	حفظ تمامیت ارضی	شماره‌های انقلاب	قانون اساسی	شهادت و ایثار	ملت	جغرافیا	وطن
مطالعات اجتماعی س ۱ (مشترک)	۱۷ ۱	۱۷ ۰	۱۷ ۰	۱۷ ۲	۱۷ ۹	۱۷ ۱	۱۷ ۰	۱۷ ۰	۱۷ ۱	۱۷ ۰	۱۷ ۲	۱۷ ۰	۱۷ ۰
جامعه‌شناسی (۱) س ۲ (انسانی)	۷ ۰	۷ ۱	۷ ۱	۷ ۱	۷ ۴	۷ ۰	۷ ۰	۶ ۰	۷ ۰	۷ ۰	۷ ۰	۷ ۰	۷ ۰
جامعه‌شناسی (۲) س ۳ (انسانی)	۱۰ ۱	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۱۰ ۳	۱۰ ۳
تاریخ ادبیات ایران و جهان (۱) س ۲ (انسانی)	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۱ ۱
تاریخ ادبیات ایران و جهان (۲) س ۳ (انسانی)	۶ ۰	۶ ۰	۶ ۰	۶ ۰	۶ ۰	۶ ۰	۶ ۰	۶ ۰	۶ ۰	۶ ۰	۶ ۰	۶ ۱	۶ ۵
زبان فارسی (۱) س ۱ (مشترک)	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۱ ۱
زبان فارسی (۲) س ۲ (مشترک)	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۱ ۱
زبان فارسی (۳) س ۳ (انسانی)	-	۴ ۱	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۴ ۳	-
زبان فارسی (۳) س ۳ (تجربی و ریاضی)	-	-	-	۱۱ ۱	-	-	-	-	-	-	-	-	-
ادبیات فارسی (۱) س ۱ (مشترک)	۱۱ ۳	۱۱ ۳	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۱۱ ۴
ادبیات فارسی (۲) س ۲ (مشترک)	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
ادبیات فارسی (۳) س ۳ (انسانی)	۳ ۲	-	-	-	-	-	-	۲ ۱	۲ ۱	-	-	-	-
ادبیات فارسی (۳) س ۳ (ریاضی و تجربی)	۷ ۴	-	-	-	-	-	-	۷ ۲	۷ ۲	-	-	-	-
تاریخ ایران و جهان (۱) س ۳ (انسانی)	۱ ۱	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
تاریخ ایران و جهان (۲) س ۳ (انسانی)	۲۶ ۲	۲۶ ۳	-	۲۶ ۳	۲۶ ۳	-	۲۶ ۱	۲۶ ۹	۲۶ ۳	۲۶ ۱	۲۶ ۱	۲۶ ۱	-
تاریخ معاصر ایران س ۳ (ریاضی و تجربی)	-	۳ ۱	-	۳۳ ۵	۳۳ ۳	۳۳ ۳	۳۳ ۲	۳۳ ۷	۳۳ ۶	۳۳ ۲	-	-	۳۳ ۳

نمودار شماره ۴: فراوانی شاخصه‌های مؤلفه قلمرو جغرافیایی - سیاسی

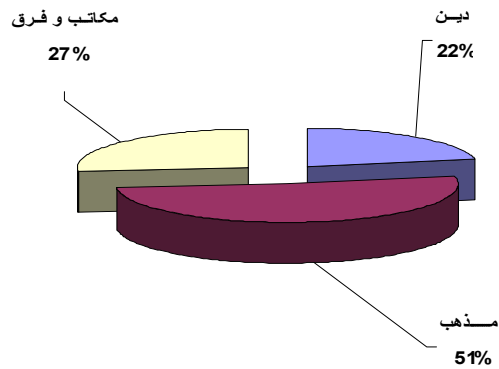


در آمار و ارقام ارائه شده در جدول و نمودار فوق، بیشترین فراوانی به نظام سیاسی ایران (۱۲ درصد) و کمترین فراوانی به پرچم (۲ درصد) اختصاص دارد. درخور ذکر است که برخی از شاخصه‌های یادشده در این جدول، از جمله جنگ، ولایت فقیه، دفاع و انتخابات از عناصر هویت‌سازی است که در شمار دستاوردهای عظیم بعد از انقلاب قرار دارد و نتیجه تحولات اساسی در ایدئولوژی و نظام فکری و مذهبی جامعه پس از انقلاب است.

جدول شماره ۵: شاخصه‌های مؤلفه‌های دین و مذهب

مکاتب و فرق	مذهب	دین	دین و مذهب
-	-	-	مطالعات اجتماعی س ۱ (مشترک)
-	-	-	جامعه‌شناسی (۱) س ۲ (انسانی)
-	-	-	جامعه‌شناسی (۲) س ۳ (انسانی)
۱۳ ۴	۱۳ ۷	۱۳ ۲	تاریخ ادبیات ایران و جهان (۱) س ۲ (انسانی)
۷ ۳	۷ ۳	۷ ۱	تاریخ ادبیات ایران و جهان (۲) س ۳ (انسانی)
-	-	-	زبان فارسی (۱) س ۱ (مشترک)
-	-	-	زبان فارسی (۲) س ۲ (مشترک)
-	-	-	زبان فارسی (۳) س ۳ (انسانی)
-	-	-	زبان فارسی (۳) س ۳ (تجربی و ریاضی)
۲ ۱	۲ ۱	-	ادبیات فارسی (۱) س ۱ (مشترک)
-	-	-	ادبیات فارسی (۲) س ۲ (مشترک)
۴ ۲	۴ ۱	۴ ۱	ادبیات فارسی (۳) س ۳ (انسانی)
-	۳ ۱	۳ ۲	ادبیات فارسی (۳) س ۳ (ریاضی و تجربی)
۱۱ ۲	۱۱ ۳	۱۱ ۶	تاریخ ایران و جهان (۱) س ۳ (انسانی)
۱۳ ۱	۱۳ ۱۱	۱۳ ۱	تاریخ ایران و جهان (۲) س ۳ (انسانی)
۷ ۳	۷ ۴	-	تاریخ معاصر ایران س ۳ (ریاضی و تجربی)

نمودار شماره ۵: فراوانی شاخصه‌های مؤلفه‌های دین و مذهب



بر اساس جدول و نمودار شماره پنج نیز بیشترین فراوانی به مذهب (۵۱ درصد) و کمترین فراوانی به دین (۲۲ درصد) اختصاص دارد. دین و مذهب از آنجا که از مهم‌ترین عناصر هویت‌ساز به شمار می‌رود، بسامد آن در مقایسه با سایر موارد و عناصر هویتی کمتر است؛ به ویژه در کتاب‌های جامعه‌شناسی و زبان فارسی حضور این مؤلفه و متغیرهای آن مشاهده نمی‌شود.

۲-۲. تحلیل داده‌ها

در پاسخ به سؤال یک از سؤالات تحقیق، باید گفت که توجه ویژه طراحان و برنامه‌ریزان نظام جامع آموزش و پرورش به مصادیق هویت ملی موجب شده است در کتب درسی مقطع متوسطه، به مناسبت، به مؤلفه‌های هویت ملی و متغیرهای آن به صورت مستقیم و غیرمستقیم اشاره شود. حضور چشمگیر مصادیق و عناصر هویت ملی در کتب درسی حاکی از کارآمد و موفق بودن نظام آموزشی در انعکاس این عناصر هویت‌ساز است.

در پاسخ به سؤال دو، باید گفت که از شانزده جلد کتاب‌های درسی، فقط در سه کتاب جامعه‌شناسی (مطالعات اجتماعی، جامعه‌شناسی ۱ و جامعه‌شناسی ۲) دربارهٔ مباحث نظری هویت مطالب مهمی - گاه به تفصیل و گاه به اختصار - نوشته شده است. در مطالعات اجتماعی، یک فصل با شش درس، در جامعه‌شناسی (۱) یک فصل با چهار درس و در جامعه‌شناسی (۲) یک فصل با هفت درس که در مجموع شامل هفده درس

می‌شود، به طور کامل مباحث نظری هویت و بحران‌های هویت از ابعاد و جنبه‌های مختلف مطالعه شده است. در این هفده درس، بیست بار از مباحث و مسائل طرح شده در حوزه هویت سخن به میان آمده است؛ به گونه‌ای که می‌توان گفت مؤلفان کتب درسی و برنامه‌ریزان آموزشی در کتاب‌های جامعه‌شناسی، در انعکاس و انتقال مفاهیم نظری هویت عملکرد خوبی داشته‌اند و در پردازش این گونه مباحث، به‌ویژه در حوزه‌های روانشناسی و جامعه‌شناسی موفقیت رضایت‌بخشی کسب کرده‌اند.

در فصل اول مطالعات اجتماعی، مباحث ابتدایی نظری هویت بیان شده است. در این فصل تعریفی از هویت جمعی و نحوه شکل‌گیری آن بر پایه تعامل اجتماعی ایراد شده است. در بخشی از آن نیز بر ملزومات هویت ملی و ارزش‌های گروهی که در شکل‌گیری هویت ملی تأثیر دارد، تأکید شده است. چگونگی پدید آمدن هویت فردی بر پایه تعاملات اجتماعی نیز مطلب دیگری است که در این فصل مشاهده می‌شود. ضمن اینکه در پایان فصل، بحثی در باب بحران هویت که در پی به وجود آمدن آسیب‌هایی در ارزش‌های هویت پدید می‌آید، به چشم می‌خورد.

در جامعه‌شناسی (۱)، در یک فصل با نام هویت - که شامل چهار درس است - به طور صریح درباره مسائل مهم نظری هویت در حوزه‌های مختلف بحث شده است. در این فصل مطالبی از قبیل تعریف هویت فردی و جمعی، تحلیل هویت فردی از منظر روانشناسان، نقش فرد و جامعه در ساختن هویت فردی، ابعاد هویت و تغییر هویت‌ها و بحران آن (خودباختگی و از خود بیگانگی) ذکر شده است.

یک فصل (شامل هفت درس) از جامعه‌شناسی (۲) نیز به مفاهیم و مسائل نظری هویت اختصاص یافته است. در این فصل مسائل مهمی درباره مفهوم هویت تبیین شده است. سه درس پایانی این فصل در صدد است هویت ملی ایران و مصداق‌های آن را بکاود. در این فصل مباحثی از این قبیل مشاهده می‌شود: نقش موقعیت‌هایی که بر فرد تحمیل می‌شود تا هویت او شکل گیرد؛ تعریف هویت؛ نقش دیگران در هویت‌یابی و اینکه هویت‌ها چگونه در مقایسه با دیگران و در جریان گفت‌وگو تأیید و تثبیت می‌شوند؛ نقش روایت (تاریخ یکی از انواع مهم آن است) در شناخت هویت‌هایی که با آن‌ها هم‌زیستی و تعامل نداریم؛ ویژگی‌های اکتسابی و وراثتی‌ای که در شکل‌گیری هویت فردی مؤثرند؛ مؤلفه‌های هویت ملی ایران، از قبیل باورها و ارزش‌های مشترک، مکان، زبان، ادبیات، هنر و معماری، تاریخ، مفاخر و قهرمانان و میراث فرهنگی؛ چگونگی تغییر هویت ایرانی در دوره‌های مختلف تاریخی (باستان، اسلامی و جدید) و

آگاهی ما از این تغییرات هویتی از طریق یکی از انواع روایت به نام تاریخ؛ تعلق و تعهد به کشور خویش، ایران، و ارزیابی نقش روایت در کم‌رنگ و پررنگ بودن این دلبستگی، مثلاً روایت‌هایی که یک ایرانی از خود دارد یا دیگران از او اظهار می‌کنند در واکنش او به ایرانی‌بودنش بسیار مؤثر است.

در پاسخ به سؤال شماره سه نیز باید گفت که از ۲۵۳ درس، فقط چهار درس، یعنی ۱/۱۳ درصد به تبیین حوزه تمدن ایرانی و نیز انعکاس و حضور آن، (آن هم فقط محدود به چند کشور از جمله پاکستان، افغانستان و تاجیکستان) اختصاص یافته است (ناگفته نماند که توجه به حوزه جهان ایرانی صرفاً محدود به موضوع ادبیات است و از سایر موارد غفلت شده است). از سوی دیگر حوزه تمدن ایرانی در مباحث نظری این کتاب‌ها، کاملاً مغفول واقع شده است. انعکاس ضعیف و بسیار کم‌رنگ جهان ایرانی در تمام کتاب‌های حوزه این پژوهش، از گسست پیوندهای چندصدساله ایران با همزادان فرهنگی‌اش در سال‌های ضعف حکومت‌های ایرانی از زمان سلسله‌های زندیه و افشاریه در ایران و به دنبال آن، گسیختگی روابط فرهنگی، اقتصادی و سیاسی سلسله قاجار با این حوزه‌ها حکایت دارد؛ به گونه‌ای که به وضوح می‌توان این گسست را در تمام کتاب‌ها ملاحظه کرد. گویی سرنوشت فرهنگی ایران با این کشورها پس از سلسله صفویه، همسو با سرنوشت تاریخی آن در دو مسیر کاملاً جداگانه حرکت کرده است؛ در حالی که سرنوشت فرهنگی این مناطق، به‌ویژه آسیای مرکزی با وجود نقارها و کینه‌های دوسویه به هم، حتی در زمان اتحاد شوروی سابق و دیوار آهنین ایجادشده از سوی آنان هم، هرگز در مقابل یکدیگر نبوده است. ضمن آنکه پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران (۱۳۵۷) و فروپاشی اتحاد شوروی سابق (۱۹۹۱) اوضاع دگرگون شده است و باید با نگاه دیگر به منطقه، به تعریفی جدید از حوزه تمدن ایرانی و ارتباط آن با هویت ملی دست زد. این بازتعریف نباید منحصر به کتاب‌های ادبیات فارسی باشد، آن گونه که هم‌اکنون به صورت مجزا و بسیار محدود و با نام ادبیات فارسی برون‌مرزی دیده می‌شود، بلکه باید در تمام کتاب‌ها، به‌ویژه در کتاب‌های جامعه‌شناسی، تاریخ، زبان و ادبیات فارسی به این مسئله توجه کرد. بنابراین، این کتاب‌ها از این منظر نیاز به بازبینی و بازنویسی دارد.

با توجه به یافته‌ها و تحلیل داده‌ها و نیز پاسخ به سؤالات پژوهش، در اثبات فرضیه مذکور که در ابتدای مقاله بدان اشاره شد، می‌توان اذعان کرد که مؤلفان کتاب‌های درسی در انعکاس مفاهیم و مؤلفه‌های کلی هویت‌ساز و متغیرهای آن، موفقیت خوبی

داشته‌اند؛ به گونه‌ای که در ۱۶ جلد از کتاب‌های درسی یادشدهٔ مقطع متوسطه، از مجموع ۲۵۳ درس، ۵۷ درصد به مقولهٔ فرهنگ، ۲۷ درصد به تاریخ، ۱۱ درصد به قلمرو جغرافیایی - سیاسی و ۵ درصد به دین و مذهب، اختصاص دارد. در خصوص تبیین مباحث نظری هویت نیز در سه کتاب جامعه‌شناسی (در مجموع هفده درس)، بیست بار به مسائل و مفاهیم تئوری هویت از منظر روانشناسان و جامعه‌شناسان اشاره شده است. این رقم با توجه به تعداد کتاب (سه کتاب) و درس (هفده درس)، حاکی از توجه ویژه برنامه‌ریزان نظام آموزشی به بازتاب و تشریح این گونه مباحث است. با وجود موفقیت طراحان کتب درسی در انعکاس مؤلفه‌های هویت ملی و توصیف مسائل نظری هویت، آن‌ها در تبیین هویت جهان ایرانی و بازتاب آن کاملاً ناموفق‌اند؛ چرا که از ۲۵۳ درس، فقط چهار درس، یعنی ۱/۱۳ درصد به توضیح و تبیین حوزهٔ تمدن ایرانی، آن هم فقط محدود به چند کشور، از جمله پاکستان، افغانستان و تاجیکستان اختصاص یافته است.

در اینجا لازم است تا برخی نکاتی که ضمن بررسی و استخراج داده‌ها به نظر آمد، بازگفته شود تا در اصلاح و بازبینی کتب از سوی طراحان و برنامه‌ریزان مفید واقع گردد: از جمله نقاط قوت کتاب‌های درسی در خصوص مقولهٔ فرهنگ، اختصاص حجم چشمگیری از دروس کتاب‌های ادبیات فارسی به مباحثی همچون ادبیات پایداری، ادبیات انقلاب و ادبیات داستانی معاصر است. بررسی مبانی نظری در کنار نمونه‌های این حوزه‌های ادبی، موجب آشنایی دانش‌آموزان با مؤلفه‌ها و مصادیق ادبیات انقلاب و پایداری، و دستاوردهای ارزشمند آن و همچنین موجب شناخت آثار داستانی معاصر ادبیات فارسی می‌شود. پرداختن به حوزهٔ ادبیات تطبیقی، ادبیات جهان، و نیز آشنایی با مکاتب و ژانرهای ادبی و از همه مهم‌تر طرح مباحث علوم ادبی از جمله نقد و تحلیل متن - که فقدان آن در گذشته در کتاب‌های درسی دیده می‌شود و امروز حتی در دانشگاه‌ها نیز به چشم می‌خورد - از کارهای بسیار خوب و مفیدی است که مؤلفان کتب درسی توجه کافی بدان مبذول داشته‌اند.

اما مواردی است که در کتاب‌های درسی کاملاً از آن‌ها غفلت، یا توجه اندکی بدان‌ها شده است. جا دارد مؤلفان در تغییرات بعدی، عنایت بیشتری به آن‌ها مبذول دارند. آنچه دربارهٔ پرچم - که یکی از اساسی‌ترین مصادیق و مؤلفه‌های هویت ملی ایرانی است - ذکر شده، بسیار اندک است. از نظر آماری، در حوزهٔ این پژوهش، فقط دو بار از پرچم یاد شده است: یک بار فقط از تصویر پرچم، و بار دیگر به هنگام

بررسی عناصر نظام سیاسی ایران، اشاره‌ای گذرا به پرچم در مقام یکی از عناصر هویت ملی شده است. در حالی که به نظر می‌رسد یک درس جداگانه باید به این مسئله اختصاص یابد و در آن علاوه بر طرح مسائل بنیادی درباره پرچم، به تحولات تاریخی آن در ایران و نقش آن در شکل‌دهی به هویت ملی ایران از یکسو و ارتباط آن با پرچم کشور همزبان تاجیکستان پرداخته شود. مورد دیگر اشاره به آداب و رسوم و فرهنگ اصیل ایرانی برخاسته از تمدن چند هزار ساله به جا مانده دوره پیش از اسلام و پس از ورود اسلام است. در این کتاب‌ها اشارات این‌چنینی درباره جشن‌های ایران باستان، پوشاک و سنت‌های ایرانی اندک به نظر می‌رسد. البته درباره جشن باستانی نوروز، فلسفه و پیوند آن با مؤلفه‌های اسلامی مطالب فراوانی ذکر شده است.

مورد بسیار مهم دیگری که در کتاب‌های درسی باید بیشتر بر آن تأکید شود، توجه به تنوع قومی، اما با هویتی یگانه (ایرانی) و آرمان‌های مشترک است. کم‌توجهی به این مهم، به معنای نادیده انگاشتن بخش مهمی از مناطق جغرافیایی است که در این کشور با زبان و ادبیاتی مشترک زندگی می‌کنند.

علاوه بر نکات یادشده، کمرنگی هویت جنسیتی در کتاب‌های درسی قابل تأمل است. در کتب درسی گرایش عمده‌ای به هویت مردانه مشاهده می‌شود. یکی از نمونه‌هایی که می‌توان به آن اشاره کرد، انعکاس تصاویر مشاهیر ملی، ادبی، علمی و عکس‌های مربوط به مشاغل و عرصه فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی است؛ به گونه‌ای که در آن‌ها شاهد غلبه و چیرگی مردان بر زنان هستیم و فقط موارد انگشت‌شماری است که در آن تصاویر زنان نیز به چشم می‌خورد. این موضوع نمودار این مسئله است که در کتاب‌های درسی توازن و تعادل هویت جنسیتی رعایت نشده است؛ مثلاً هویت‌یابی پسران و نقش‌پذیری اجتماعی آن‌ها بسیار متنوع‌تر و گسترده‌تر از دختران بحث شده است و بیشتر به نقش عاطفی و مادرانه زنان توجه شده و از نقش‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی آن‌ها غفلت شده است.

نتیجه‌گیری

نقش آموزش و پرورش در شکل‌دهی به هویت ملی، نقشی بی‌بدیل است. این مهم، از طریق کتاب‌های درسی به مخاطبان منتقل می‌شود. میزان توجه مؤلفان این کتاب‌ها به هویت ملی در مقام فراگیرترین لایه هویتی هر ملت، علاوه بر انعکاس دیدگاه‌های مؤلفان این کتاب‌ها، نمودار آراء و افکار کلان سیاستگذاران فرهنگی آن کشور نیز است. کم‌توجهی

یا بی‌توجهی به برخی از عناصر هویت‌ساز ملی فقط به پاک‌کردن صورت مسئله کمک می‌کند نه حل آن. مؤلفان کتاب‌های درسی و برنامه‌ریزان آموزش و پرورش در انعکاس مفاهیم و مصادیق هویت‌ساز و بحث نظری هویت در کتاب‌های جامعه‌شناسی عملکرد موفقیت‌آمیزی داشته‌اند؛ به طوری که از مجموع ۲۵۳ درس، ۵۷ درصد به مقوله فرهنگ، ۲۷ درصد به تاریخ، ۱۱ درصد به قلمرو جغرافیایی - سیاسی و ۵ درصد به دین و مذهب، اختصاص دارد. مباحث قابل توجهی نیز در خصوص مسائل و مفاهیم نظری هویت در کتاب‌های جامعه‌شناسی مشاهده می‌شود. غفلت از نماد پرچم در مقام یکی از عناصر اساسی هویت‌ساز که دربردارنده مفاهیمی ژرف از هویت دینی و ملی ماست، و کم‌توجهی به تنوع قومی و هویت جنسی از ضعف‌هایی است که در کتاب‌های یادشده مشاهده شده است و نیاز به تجدیدنظر و اصلاح دارد. همچنین مغفول ماندن حوزه تمدن ایرانی از دیگر مواردی است که باید عنایت بیشتری به آن شود؛ چرا که از این ۲۵۳ درس، فقط در چهار درس، یعنی ۱/۱۳ درصد حوزه تمدن ایرانی و انعکاس مفهوم جهان ایرانی تبیین شده است. باید توجه داشت که در درازنای تاریخ پیدایش ایران، همواره فرهنگ و تمدن آن نیز در مناطق پیرامونی خود حضوری چشمگیر داشته است؛ به گونه‌ای که مطالعه تاریخ و فرهنگ ایران بدون توجه به این مناطق کاملاً ابتر خواهد بود. بنابراین نوشتن هر نوع تاریخ تمدن ایرانی و توجه به هر گونه هویت ملی ایران بدون در نظر گرفتن این جنبه از حوزه تمدنی ایران، کاری ناقص خواهد بود. با تأسف، تاریخ تمدن ایران در کتاب‌های درسی مقطع متوسطه در تمام سطوح آن، بدون توجه به این امر مهم، یعنی حوزه تمدنی ایران نوشته شده است. با این کار، جامعه ایرانی از آشنایی با بخش عظیمی از ظرفیت جهانی خویش محروم شده است. در صورت بازنویسی این کتاب‌ها با این نگاه، از یک سو علاوه بر ظرفیت‌سازی جدید برای تمدن ایرانی در دوران معاصر، جوانان ایرانی با میراث مشترک هم‌زبانان و همدلان خود در فراسوی مرزهای ایران بیشتر آشنا خواهند شد و از سوی دیگر زمینه تقویت و گسترش پیوندهای تاریخی مردمان کشورهای هم‌زبان و همدل ایران نیز با یکدیگر بیش از پیش آماده خواهد گشت.

منابع

- احمدی، احمد، و دیگران (۱۳۸۶): *ادبیات فارسی ۳*؛ ج ۹، تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
- ارشاد سرابی، اصغر، و دیگران (۱۳۸۰): *ادبیات فارسی ۳*؛ ج ۳، تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
- باطنی، محمد رضا، و دیگران (۱۳۸۶): *زبان فارسی ۱*؛ ج ۱۱، تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۶): «کلمه نهایی: شکل‌گیری گفتمان‌های هویت در ایران»، *نامه پژوهش*؛ س ۲، ش ۷، ۶۹-۴۱.
- تاکی، مسعود، و دیگران (۱۳۸۶): *ادبیات فارسی ۱*؛ ج ۱۱، تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
- جوادیان، مسعود، و دیگران (۱۳۸۵): *تاریخ ایران و جهان ۱*؛ ج ۷، تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
- حسینی، محمد باقر (۲۰۰۴): «معمای هویت»، در: *پایگاه اطلاع‌رسانی آینده‌نگر*، Mar 12. www.ayandeh.com
- حق‌شناس، علی‌محمد، و دیگران (۱۳۸۶): *زبان فارسی ۲*؛ ج ۱۰، تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
- ----- (۱۳۸۴): *زبان فارسی ۳*؛ ج ۷، تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
- ----- (۱۳۸۶): *زبان فارسی ۳*؛ ج ۹، تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
- داوودی، حسین، و دیگران (۱۳۸۶): *ادبیات فارسی ۲*؛ ج ۱۰، تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
- رجب‌زاده، احمد (۱۳۸۶): *مطالعات اجتماعی*؛ ج ۹، تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
- ----- (۱۳۸۶): *جامعه‌شناسی ۱*؛ ج ۷، تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
- ----- (۱۳۸۶): *جامعه‌شناسی ۲*؛ ج ۴، تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
- شعاری‌نژاد، علی‌اکبر (۱۳۸۶): *فلسفه آموزش و پرورش*؛ ج ۸، تهران: امیرکبیر.
- شیخاوندی، داور (۱۳۸۰): *تکوین و تنفیذ هویت ملی*؛ ج ۲، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- ----- (۱۳۸۶): «بازتاب هویت اقوام ایرانی در کتاب‌های درسی»، در: www.mytabriz.com/news
- طاهری، ابوالقاسم (۱۳۸۶): *روش تحقیق در علوم سیاسی*؛ ج ۶، تهران: نشر قومس.
- علوی‌کیا، محمدعلی، و دیگران (۱۳۸۶): *تاریخ ایران و جهان ۲*؛ ج ۷، تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
- علیخانی، علی‌اکبر (به اهتمام) (۱۳۸۶): *مبانی نظری هویت و بحران هویت*؛ ج ۲، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- ----- (۱۳۸۳): *هویت در ایران*؛ تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- مهدی‌زاده، محمد (۱۳۸۳): «انقلاب ارتباطات، جامعه شبکه‌ای و ذهنیت و هویت ناپایدار»، در: *پایگاه اطلاع‌رسانی آینده‌نگر*، ۲۵ فروردین.
- میرمحمدی، داوود (۱۳۸۳): *گفتارهایی در هویت ملی در ایران*؛ تهران: تمدن ایرانی.
- نیازی، محسن (۱۳۸۶): «تبیین جامعه‌شناختی رابطه سرمایه فرهنگی خانواده با هویت اجتماعی جوانان»، *مطالعات ملی*؛ س ۸، ش ۳، ۸۰-۵۵.
- ولایتی، علی‌اکبر، و دیگران (۱۳۸۶): *تاریخ معاصر ایران*؛ ج ۲، تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
- هولستی، ال. آر (۱۳۸۰): *تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی*؛ ترجمه نادر سالارزاده؛ ج ۲، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- یاحقی، محمد جعفر، و دیگران (۱۳۸۶): *تاریخ ادبیات ایران و جهان ۱*؛ تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
- ----- (۱۳۸۶): *تاریخ ادبیات ایران و جهان ۲*؛ ج ۷، تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.